



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۱۹/مهر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۲۰ محرم ۱۴۳۹

تنبیه اول: ثواب و عقاب در واجب نفسی و غیره

سال نهم

جلسه: ۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در ادامه بحث از واجب نفسی و واجب غیره چند مطلب به صورت تنبیه ذکر شده که مطالب مفیدی است. یکی درباره مسئله ثواب و عقاب در واجب غیره و دیگری شبهه و اشکالی در مورد طهارات ثلاث.

تنبیه اول: ثواب و عقاب در واجب غیره و نفسی

سابقا اشاره شد که یکی از تفاوت های واجب نفسی و غیره و ثمراتی که در نزاع بین نفسیت و غیریت یا شک در نفسیت و غیریت وجود دارد این است که اگر واجبی واجب نفسی باشد بر موافقتش ثواب و بر مخالفتش عقاب مترتب می شود اما اگر واجبی غیره باشد بر موافقت و مخالفت آن ثواب و عقاب مترتب نمی شود. یعنی ثواب و عقاب مستقل ندارد. اگر غیره باشد و به واسطه ترک واجب غیره، واجب نفسی صدمه ببیند بر ترک واجب نفسی عقاب مترتب می شود. پس اصل این مدعا قبلا نیز مطرح شده و اکنون نیز در صدد ارائه دلیل بر آن هستیم. پس واجب نفسی اگر مخالفت شود مستوجب عقاب است و اگر موافقت شود مستوجب ثواب است. اما در واجب غیره اگر موافقت یا مخالفت شود به دنبال آن استحقاق ثواب و عقاب مطرح نیست.

ادله عدم ثواب و عقاب مستقل در واجب غیره

دلیل بر این مطلب را محقق خراسانی عقل قرار داده اند و می فرمایند: این فهم عقل و ادراک عقل است، البته بعضی از بزرگان در تبیین این دلیل، این دلیل را به عنوان یک وجه عرفی و عقلایی ذکر کرده اند، منافاتی هم ندارد زیرا هم می تواند از مستقلات عقلیه باشد و هم می تواند یک امر عرفی و عقلایی باشد که ما هر دو را بیان می کنیم.

دلیل اول

محقق خراسانی می فرمایند اگر یک ذی المقدمه ای دارای مقدمات متعدد بود و مکلف همه این مقدمات را اتیان کرد تا نهایتا ذی المقدمه محقق شود این جا تنها چیزی که این عبد انجام داده موافقت با دستور مولا است زیرا مولا از او خواسته بوده که این ذی المقدمه را اتیان کند و اتیان ذی المقدمه خودش متوقف بر مقدماتی بوده و اگر این مقدمات اتیان شده به این جهت بوده که آن مطلوب مولا تحقق پیدا کند. از نظر عقل وظیفه عبودیت اقتضاء می کند به دستور مولا عمل شود و دستور مولا نیز این بوده که آن ذی المقدمه تحقق پیدا کند لذا زمانی که عقل می بیند مکلف خواسته مولا را جامه عمل پوشانده می گوید این مستحق ثواب

است. دیگر از نظر عقل اتیان به مقدمات مستقلا موجب استحقاق ثواب نیست زیرا این ها همه مقدمه بوده و غرض اصلی مولا نبوده است. مولا یک غرض اصلی داشته و برای رسیدن به آن غرض اصلی مکلف باید آن شرایط و مقدمات را فراهم می کرد. لذا از نظر عقل استحقاق ثواب بر اتیان به مقدمات نیست.

همچنین است در مورد مخالفت با واجب غیري. یعنی اگر ذی المقدمه حرامی، مقدماتی داشته باشد آن چه که باعث عقوبت این عبد است خود اتیان به ذی المقدمه است. زیرا شارع نمی خواهد این ذی المقدمه در خارج محقق شود. حال اگر کسی با مقدماتی که انجام داده ذی المقدمه حرام را محقق کند این جا از نظر عقل مستحق عقاب است به خاطر تحقق بخشیدن به چیزی که مبعوض مولا است اما مقدمات آن تا زمانی که خود ذی المقدمه محقق نشود فی نفسه مبعوض مولا نیست. (البته در بحث مقدمه حرام بحث می کنیم که آیا مقدمه حرام حرام است یا خیر؟ که در آن جا این ملازمه انکار می شود. البته اعانه بر حرام، تسبیب نسبت به حرام و دخالت یک شخص در صدور حرام از دیگری بعضی از صورش محل اشکال است و بعضی از صورش حکم حرمت دارد. اما نه به عنوان مقدمه. اگر گفته می شود اعانه بر حرام، حرام است به عنوان مقدمه حرام نیست بلکه به عنوان اعانه بر ذی المقدمه حرام خودش مستقلا حرمت دارد). اجمالا دلیلی که محقق خراسانی این جا اقامه کردند این است که عقل استقلال دارد در فهم این مطلب که آن چه مستوجب عقاب است مخالفت با واجب نفسی یا ذی المقدمه است. مخالفت با واجبات غیریه از نظر عقل نه مستوجب عقوبت هستند نه مستوجب ثواب.

دلیل دوم

این وجه با وجه قبلی متفاوت است. (در کلام علماء گاهی به عقل استدلال می شود و گاهی به عقلاء و عرف). اگر بخواهیم این دلیل را به عنوان یک وجه عرفی نه عقلی بیان کنیم این طور میتوانیم بگوییم که از نظر عرف و عقلاء نیز کسی که کاری را انجام می دهد که متوقف بر مقدماتی است این تنها یک پاداش باید بگیرد و این طور نیست که به خاطر مقدمات متعدد پاداش های متعدد به او بدهند این فهم عقلاء از مسئله پاداش نسبت به اطاعت از فرامین و قوانین است. همچنین از نظر عقلاء و عرف اگر کسی با اوامر مولا مخالفت کند و مخالفتش متوقف بر مقدماتی باشد مثل این که شخصی قصد دزدی داشت و نردبان گذاشته و به بالای بام رفته، این طور نیست که این نصب نردبان مستقلا جدای از سرقت از دید عقلاء و عرف مجازات داشته باشد. بله اگر این نردبان گذاشتن باعث خسارت شده باشد ضامن است و باید خسارت را پرداخت کند. پس از نظر عرف به خاطر مقدمه و ذی المقدمه نه عقاب متعدد و نه ثواب متعدد به مکلف داده نمی شود. پس هم به دید عقل و هم به دید عقلاء در واجب گیری ثواب و عقاب مستقلا نداریم لذا مخالفت و موافقتش مستحق عقاب و ثواب نیست.

دلیل سوم

همان طور که بیان شد محقق خراسانی دو بیان دارند که هر دو متکی به حکم عقل است. یکی دلیل اول بود که بیان شد، دیگری نیز این است که از دید عقل مسئله ثواب از لوازم قرب به مولا و عقاب از لوازم بعد از مولا است. اصلا ثواب چگونه محقق می شود. ایشان می فرماید: کسی که به خدا نزدیک شود لازمه اش ثواب است و کسی که از خدا دور می شود لازمه اش عقاب است. تشویق و تنبیه برای دور شدن یا نزدیک شدن به خداوند است. این حقیقت ثواب و عقاب است. اگر ملاک ثواب و عقاب این باشد پس درجایی که فی نفسه انجام دادن کاری یا انجام ندادن آن موجب قرب یا دوری نشود دیگر

ثواب و عقاب معنا ندارد. واجب غیری یعنی واجبی است که خودش برای خودش موجب قرب نیست یا ترکش فی نفسه موجب بعد نیست لذا وقتی واجب غیری موافقتش یا مخالفتش نه باعث قرب به خدا و نه باعث دوری از خدا، دیگر ثواب و عقاب در موردش معنا ندارد.

تا کنون سه دلیل برای عدم استحقاق ثواب و عقاب در واجب غیری بیان کردیم

۱. دلیل عقلی: یعنی عقل مستقلاً حکم می کند که مخالفت یا موافقت با واجب غیری موجب ثواب و عقاب نیست.
۲. فهم عرفی و عقلاء: در دلیل قبل حکم عقل بود اما در این دلیل عقلاء و عرف این مطلب را درک می کنند.
۳. دلیل عقلی: اصلاً ثواب و عقاب از لوازم بعد و قرب مولا است یعنی چیزی ثواب دارد که موجب قرب شود و چیزی عقاب دارد که موجب بعد شود. واجب غیری از چیزهایی است که نه انجام دادنش موجب قرب است و نه از چیزهایی است که ترکش موجب بعد.

نتیجه: با این ادله ثابت می شود که واجب غیری ثواب و عقاب مستقل ندارد.

توجیه روایات دال بر ثواب در مقدمات

اگر ما با این سه دلیل اثبات کردیم واجب غیری ثواب و عقاب مستقل ندارد و آن مقدماتی که باید اتیان شوند و شرعاً واجب شده اند چه انجام بدهیم و چه ندهیم خودشان راساً موجب عقاب و ثواب نیستند. (بله اگر کسی واجب غیری را انجام ندهد و در نتیجه باعث ترک واجب نفسی شود، بحثش بعداً می آید.) پس چرا در مورد زیارت امام حسین (ع) حدیث داریم که هر قدمی که برای زیارت امام حسین برداشته می شود فلان قدر ثواب دارد یا قدم برداشتن برای حج فلان قدر ثواب دارد؟ این دو با هم سازگار نیستند. به عبارت دیگر یک تقضی به این مطلب وارد می شود. شما که ادعا می کنید مقدمات هیچ ثواب و عقابی ندارند و هر چه هست برای ذی المقدمه است. با این حساب فقط باید زیارت قبر الحسین ثواب داشته باشد نه مقدمات آن پس این مقدماتی که باید طی کند تا به آن جا برسد و برایش ثواب بیان کرده اند، با حرف شما منافات دارد و نشان دهنده این است که مقدمات نیز خودشان دارای ثواب و عقاب مستقل می باشند.

پاسخ: محقق خراسانی دو جواب به این سوال داده اند:

توجیه اول

درست است از دید عقل مقدمه مستوجب ثواب و عقاب نیست؛ ولی این مربوط به جایی است که مقدمه را من حیث هی نگاه کنیم و خود مقدمه را به تنهایی لحاظ کنیم. چون وجوب غیری برای یک مقدمه ای که فی نفسه یک واجب عبادی نیست، توصلی است ولی اگر همین واجب توصلی ملازم شود با چیز دیگری مثل شروع موافقت با واجب نفسی مثل این که کسی لباسش نجس شده است و برای خواندن نماز با این لباس باید لباسش را تطهیر کند و تا زمانی که لباس خود را تطهیر نکرده باشد نمی تواند نماز بخواند. به عبارت دیگر اگر لباس نجس شده باشد ممکن است مکلف بخواهد لباسش را پاک کند بدون این که قصد نماز خواندن داشته باشد، این جا استحقاق ثواب نیست زیرا فی نفسه این تطهیر را دیده و به عنوان این که بخواهد با تطهیر لباس شروع برای نماز خواندن کند دیده نشده. ولی اگر همین لباس را تطهیر می کند برای این که می خواهد یک ساعت دیگر با این لباس نماز بخواند، این تطهیر ثواب دارد زیرا به عنوان شروع در موافقت با یک واجب نفسی این عمل را انجام می دهد. حال هر چه این

کاری که انجام می دهد سخت تر باشد فضیلت آن بیشتر است. «افضل الاعمال احمزها» احمزیت و اشقیت موجب فضیلت و استحقاق ثواب می شود.

حال این جا چه چیزی عنوان افضیلت پیدا می کند؟ آن ذی المقدمه است که سخت تر می شود و وصول به ذی المقدمه سخت تر می شود و به خاطر آن به مقدمه ثواب داده می شود.

پس راه حل اول محقق خراسانی این است که مقدمه اگر از ابتدا برای انجام ذی المقدمه واجب و به قصد رسیدن به آن باشد یعنی از اول هدفش رسیدن به مطلوب شارع باشد، استحقاق ثواب وجود دارد اما اگر قصدش وصول به واجب نباشد چنین ثوابی برایش ثبت نمی شود. لذا اموری که شما ملاحظه می کنید که برایش خصوصیات ذکر شده و بر مقدماتش ثواب بیان شده مربوط به مقدماتی است که اساسا برای موافقت با آن امر نفسی انجام می شود.

مثلا اگر کسی بخواهد اربعین به پیاده روی برود و قصدش زیارت امام حسین نباشد، بلکه به عنوان تجارت می رود، معلوم است که ثوابی به او تعلق نمی گیرد.

توجیه دوم

راه حل دیگری نیز محقق خراسانی بیان کردند که به نظر روان تر و بهتر است. ایشان می فرمایند ما این موارد را بر تفضل حمل می کنیم. یعنی می گوئیم از نظر عقل اتیان به هیچ مقدمه ای ولو به قصد شروع و رسیدن به ذی المقدمه موجب استحقاق ثواب نیست و کذلک در مورد مقدمات حرام. پس استحقاق وجود ندارد و اگر در مواردی خداوند تبارک و تعالی ثوابی بر اتیان مقدمه ذکر کرده از باب تفضل است. خداوند متعال فضلا خواسته در مورد بعضی از مقدمات ثوابی را برای کسی که به این مقدمات اتیان می کند، عطا کند.

تا کنون اصل مسئله ثواب و عقاب در واجب نفسی و غیره و دلیل آن ذکر شد و کلام محقق خراسانی در جلسه بعد باید مورد بررسی قرار بگیرد.

تذکر اخلاقی: بهترین مردان

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «خَيْرُ الرَّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَىٰ أَهْلِهِمْ وَيَحْنُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ»^۱ بهترین مردان امت من کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن نباشند و به آن ها اهانت نکنند و دل سوز خانواده خود باشند و به آن ها ظلم نکنند.

مشکلی که در بین بعضی از افرادی که متدین هستند، وجود دارد این است که چون فکر می کنند صبح تا شب به دین خدا خدمت می کنند. پس اگر شب به منزل رفتند همه باید به آن ها خدمت کنند و پیش خود می گویند: چون صبح تا شب خادم هستیم، در منزل باید مخدوم باشیم. بعضی از خانواده ها به ما مراجعه کرده اند و بیان داشته اند که آن طور که باید و شاید با آن ها با محبت برخورد نمی شود و سخت گیری ها و اهانت ها و گاهی حتی نسبت به آن ها ظلم می شود. رسول خدا می فرماید: بهترین مردان امت کسانی هستند که به خانواده های خود خشونت نمی ورزند. ممکن است یک طرف به اندازه طرف دیگر تحصیل نکرده باشد و شخصی ممکن است برای خودش مراتبی را قائل شده باشد که بقیه را از خود کوچک تر ببیند. لذا برخوردهای تحقیر آمیزی را انجام می دهد که اصلا صحیح نیست.

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۷

مطلب بعدی این است که طبق فرمایش رسول گرامی اسلام بهترین مردان کسانی هستند که به خانواده های خود ظلم نمی کنند. ما همیشه فکر می کنیم که ظلم از ناحیه پادشاه یا داروغه است یعنی کسی که قدرت دارد. ولی دامنه ظلم خیلی وسیع تر است و به همین میزان دامنه عدل. غیر از ظلمی که ما به نفسمان می کنیم، ظلمی که به خداوند می کنیم و وظیفه عبودیت را انجام نمی دهیم، ظلم به دیگران هم می کنیم، یعنی حقوق دیگران را تضییع می کنیم. اگر کسی حق دیگری را تضییع کند این ظلم است و برای این که این حق ضایع نشود باید حقوق دیگران مثل زن و فرزند و همسایه و ... را بشناسیم. اگر حقی از حقوق آن ها را تضییع کنیم ظالم می شویم. ظالم که لزوماً به دستش شمشیر و به پایش چکمه نیست. به هر حال انشاء الله مراقبت کنیم که اگر از خیر الرجال نیستیم (این که سخت است از خیر الرجال باشیم) ولی از شر الرجال هم نباشیم. زیرا مفهوم حدیث این است که شر الرجال کسانی هستند که با خانواده خشن هستند و اهانت و ظلم به آن ها می کنند حداقل وسط باشیم.

«الحمد لله رب العالمین»